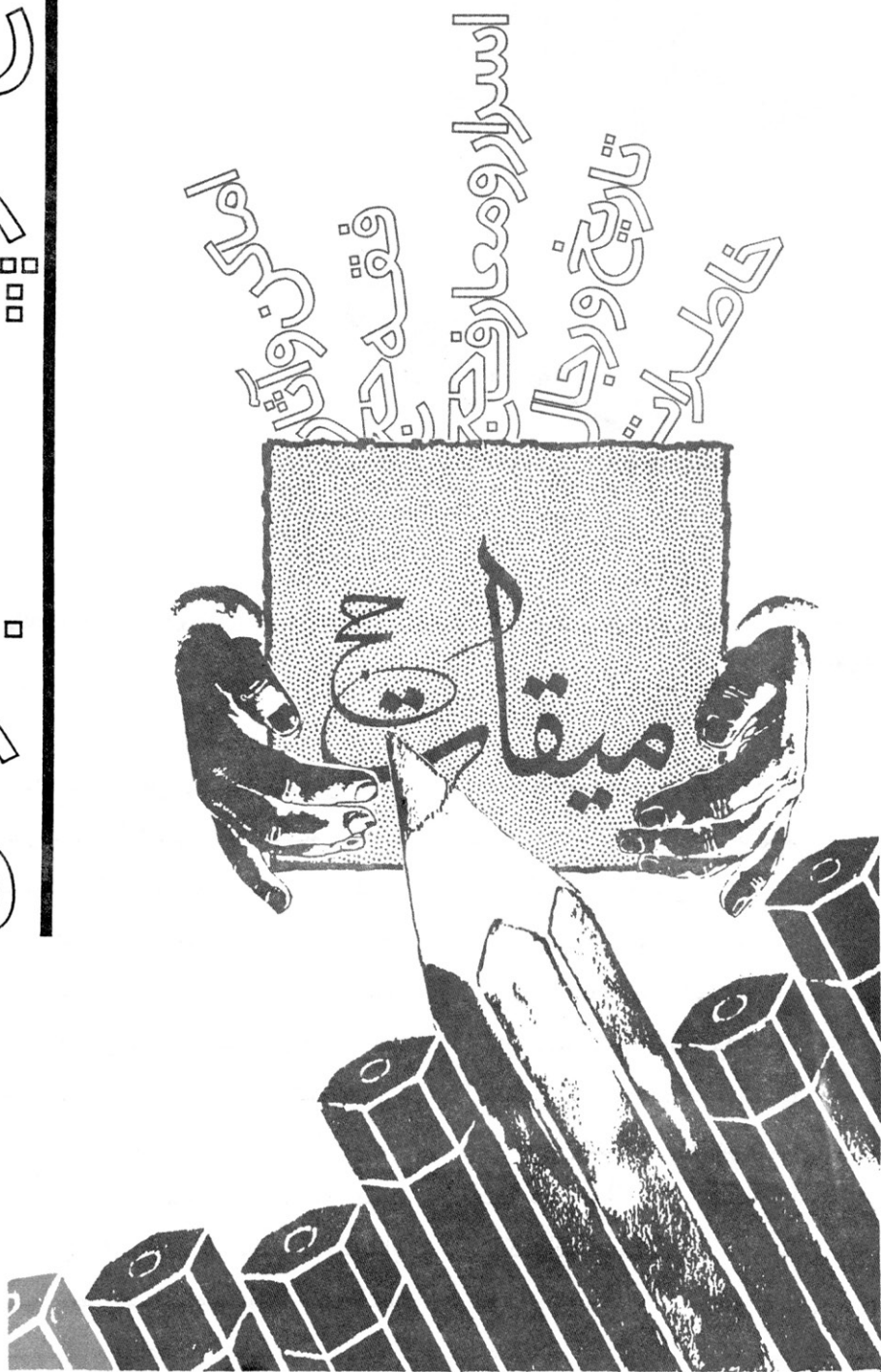


# حج در آیینہ ادب فارسی





# کاروان حج

سید رضا مؤید

برخیز و باش همقدم رهروان حج  
بر دعوت خلیل خدا قهرمان حج  
آنجا که خود خدای بود میزبان حج  
در چهره‌های سوخته بنگر نشان حج  
دارند انتظار که آید زمان حج  
باید که حال توبه بود ارمغان حج  
لیکن بود اساس شریعت بیان حج  
که اتمام یافت زین سه نفر داستان حج  
مهر علی و آل علی هست جان حج  
آن کعبه‌ای که هست مطاف و مکان حج  
هر دل شکسته‌ای که ندارد توان حج  
که افزود با درایت خود بر توان حج

آید به گوش، زمزمه کاروان حج  
برخیز تا دهیم به لبیک‌ها جواب  
برخیز تا به کعبه مقصود رو کنیم  
آنجا میان زمزمه دل شکستگان  
هر سال عاشقان حریم خدا به شوق  
آنسان که این سفر، سفر فیض و رحمت است  
هرچند برشمرده شود از فروع دین  
بر هاجر و خلیل و به فرزند او سلام  
حج با تمام برتریش پیکری بود  
از بهر زادگاه علی ساخت کردگار  
برگو طواف قبله هفتم رضا کند  
یادش بخیر یاد امام فقیدمان